

نور و ظلمت

ویراست اول

www.mykarbala.ir

- به جهت حفظ انسجام و یکپارچگی مقاله مطالب فرعی با رنگ روشن متمایز شده است.

بخش اول از قسمت دوم

(۲) خلافت و حکومت

مهم ترین و محوری ترین مسئله در اختلاف و درگیری میان امت اسلام بعد پیامبر و پدیدار شدن انشعابات در آخرین دین ، مسئله جانشینی و حکومت بعد ایشان است .

• تذکر :

نباید اختلافات این دو مذهب را تنها در این موضوع خلاصه کرد. تضاد ایشان در موارد بسیاری از اصول و فروع است و حتی ساختار عقلانیت دو گروه با هم تفاوت شدید دارد.

شیعه بر خلاف مذهب اکثریت در خصوص خلافت پیامبر اکرم به چندین اصل معتقد است که آنها را در یازده عنوان خلاصه می‌نماییم :

۱- خلافت پیامبر خدا اساسی ترین مسأله دینی است که

حیات و بقاء دین

هدایت جامعه

و توسعه اسلام

بستگی شدید به آن دارد و به هیچ وجه نباید آن را به یک عنوان و منصب سیاسی

تنزل داد و در مورد آن دچار ساده‌انگاری شد.



• نکته :

- دین برنامه جامع زیست سالم و حیات متعالی انسان است ؛ بنابراین مسائل سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند از حیطة کنترل برنامه خداوند خارج باشد ؛ خداوند کریم ما را در هیچ امری به خودمان وانگذاشته است.
- بعضی انشعابات اسلامی حتى حکومت شخص نبی مکرم را نیز، امری لازم و یک دستور دینی و الهی تلقی نمی‌کنند و اعتبار آن در خصوص ایشان را منوط به پذیرش عامه مردم می‌دانند.

• درباره سکولاریزم

- با توجه به اینکه موضوع حکومت دینی زیربنای امامت است و معارضان با شیعه اصل ورود دین به حکومت را نفی می‌کنند تا از این رهگذر در مورد حکومت بعد پیامبر تشکیک کنند، لازم است درباره نظریه سکولاریزم توضیحاتی ارائه شود.
- سکولاریزم یک نظریه است که به دخالت نداشتن دین در جنبه‌های عمومی و کلان زندگی انسان باور دارد و حذف دین از میدان سیاست ، جامعه و اقتصاد را توصیه می‌نماید.

علل و زمینه‌ها :

- نقصان دین یا دین‌شناسان در ارائه راهکارهایی معقول برای اداره امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.
 - برخورد نامناسب متولیان دین با پیشرفت اندیشه و علوم نوین و عدم توجه به نیازهای انسان امروز.
 - ورود دین و دینداران به عرصه‌های کلان که به واقع توان مدیریت آن در ایشان نبوده است.
 - سیر تفکر و سبک زندگی بشر به سوی توجه بیشتر به ابعاد مادی و تمرکز بر پیشرفت دنیایی.
 - دوری مردم از معنویت و دین که البته عملکرد جامعه روحانی در آن نقش بسزایی دارد.
 - وجود ریشه‌های این تفکر در آموزه‌های مذهبی و نظریات عالمان دینی یا نحوه عملکرد ایشان.
 - ضعف معرفت دین و ظرفیت‌های آن ، و بی‌توجهی به دستورات اجتماعی و حاکمیتی دین .
 - مانع پیشرفت دانستن اعتقاد و عمل دینی و احساس حقارت و عقب ماندگی در متدینین.
 - دخالت طاغوت‌ها به جهت حذف نهادهای مذهبی از میان مردم و پیشبرد اهداف ضدّ دینی خود.
- این زمینه‌ها در مغرب زمین و در مسیحیت وجود داشته است و تمامی آن قابل تعمیم به ادیان دیگر نیست.

لوازم و پیامدها :

- دخالت ندادن روحانیون و اشخاص الهی در مناصب حکومتی و کلان جامعه.
- دنبال کردن سلطه حاکمان دولتی بر عالمان دین و افراد مقدس.
- حذف باورهای اصیل دینی و مذهبی و مناسک آن به جهت حفظ امنیت حاکمان .
- انکار لزوم صلاحیت دینی و دینشناسی در سرپرست جامعه.
- رجوع به مردم در مشروعیت گرفتن برای نظام‌های اداری و نظریه برابری همه افراد
- تضاد جدی با عقیده مشروعیت الهی در تعیین شخص حاکم .
- قانون سازی متکی به اندیشه‌های بشری و بی توجه به تعالیم پیامبران .
- تغییر در سبک زندگی مذهبی و نابود نمودن میراث هویت بخش دین .
- توجه به پارامترها و عناوین غیر دینی در ارزش گذاری‌ها .
- تلاش برای مشغول کردن مردم به دنیا و درگیری‌های آن .
- استفاده از دین صرفاً به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف دنیاگرایانه.
- تقدس بخشی به چهره‌های غیردینی و اسطوره سازی در راستای اهداف دولتی.
- برداشتن مرز میان ادیان و مذاهب در ساحت‌های مختلف اندیشه و اجرا .
- نشان دادن افق‌های روشن توسعه به مدد برنامه و اقدامی که از دین برنیامده است .
- بزرگ کردن و جلوه دادن ناکارآمدی تعالیم دین در عرصه‌ها مختلف.
- مشغول شدن متدینان به مراسمات غیر ضرور به عنوان دین و غافل شدن از احکام درجه اول.
- الگو و هدف قرار دادن کشورها و جوامع غیرمذهبی در امور مختلف .
- فرار از تکلیف دینی و هر دستوری که از خارج وضع و خطاب می‌شود.
- سهم‌خواهی و مطالبه‌گری هرچه بیشتر انسان‌ها از امکانات دنیایی به جای توجه به وظیفه.
- جریان آزاد اطلاعات و عقاید هرچند درصدد تخریب بنیاد دین باشد.
- عدم توجه به غایت معنوی انسان ، از خود بیگانگی و تخریب روانی بشر.
- دوری انسان‌ها از یکدیگر بر اثر رقابت هرچه بیشتر افراد در تصاحب قدرت و ثروت.
- بی تفاوتی و مواضع انفعالی نسبت به اتفاقات و عملکردهای باطل و غیر مذهبی.
- کنار گذاشتن هویت مذهبی یک کشور و از رسمیت انداختن مذهب در ساحت سیاسی.



انواع و مدل‌ها :

مدل‌های مختلف سکولاریزم ایجابی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود :

۱. آن دسته که اساساً دین یا باورهای غیبی را انکار می‌کنند.

۲. آنهایی که تفسیرهای حدأقلی از دین را می‌پذیرند.

این گروه در تعیین خط قرمز برای دین سه دسته‌اند:

۱. دنیا محور

۲. سیاست محور

۳. حکومت محور

مبانی و زیرساخت‌ها :

طرفداران سکولاریزم به یک یا چندی از گزاره‌های زیر باور دارند :

- منحصر دانستن وجود و حقیقت در ماده و امور محسوس و انکار امر غیبی
- تبیین پذیر دانستن تمامی امور با عقل بشری، بدون نیاز به دخالت ماوراء و الهام
- تکیه به علوم تجربی به عنوان تنها روش صادق در کشف حقایق به صورت معقول
- عدم پذیرش حقوقی برای پروردگار جهان یا مقدم کردن و تعمیم حقوق طبیعی بشر
- دین را در اختیار انسان و امیال وی دانستن نه انسان را مخلوقی در خدمت اجرای دین
- اعتقاد به آزادی مطلق انسان در زمینه‌های مختلف به ویژه اداره جامعه و ابراز عقیده
- سلب حق حاکمیت از خدا و اولیاء او و بی‌نقش و جایگاه دانستن ایشان در این مهم
- نسبی دیدن همه معارف دینی و انسانی، و عدم تأیید صدق و ثبات دائمی هیچ یک از آنها
- محسوب نکردن دین به عنوان یک منبع معرفتی قابل قبول و معقول
- بسته فرض کردن راه فهم تمامی گزاره‌ها و متون دینی به بهانه ابهام و تأویل پذیری آنها
- تفسیر کردن گوهر دین به عنوان یک ذوق و تجربه شخصی نه یک برنامه مشخص و لازم
- توهمی و بی‌اعتبار تلقی کردن وحی انبیاء در کشف حقایق
- انکار اصل نبوت به عنوان یک واقعیت ممکن یا انکار احتیاج بشر به آن

- بی‌موضع یا بی‌تفاوت دانستن دین در مورد مسائل اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی
- ناتوان دانستن اصل دین در ارائه راهکارهای مناسب برای امور کلان و عمومی
- نامتناسب دیدن آموزه‌های دین با جهان مدرن و نیازهای جدید
- گمان به اینکه حکومت و دین دو شأن بی‌ربط با هم می‌باشند.
- ادیان خودشان چنین ادعایی ندارند که در این قبیل مسائل ایفاء نقش کنند.
- همه حکومت‌ها تنها می‌توانند حکومت افراد متدین باشند و معنا ندارد حکومت خود دین نامیده شوند.

• شیعه و سکولاریزم :

سکولاریسم ایجابی در هیچ یک از مبانی خود با باورهای مذهبی ما سازگاری ندارد و اساساً در زمینه‌ای متولد شده که تا امروز در بین شیعیان شرایط مشابه آن گسترده دیده نمی‌شود.

به عکس مذهب متضاد با مذهب اهل‌بیت از همان بدو تأسیس نادانسته بر اصول سکولاریسم منطبق می‌باشد و تمامی پیامدهای شوم آن را برای جهان اسلام به ارمغان آورده.

بدیهی است ، کسی که به مبانی پیش‌تر بیان شده معتقد باشد به هیچ وجه نمی‌توان او را فردی متعهد به مذهب اهل‌بیت و شیعه دانست . این شخص حتی به ابتدایی‌ترین اصول این مذهب نیز آگاهی ندارد.



• چند نکته :

- بعضی در یک نگاه کلی سکولاریسم را به دو نوع تقسیم می‌کنند :

۱. ایجابی : به جدایی اصل ادیان از سیاست و حکومت معتقد است.
۲. سلبی : اصل دین را جامع می‌بیند اما به ملاحظات موقت ورود به امور کلان را توصیه نمی‌کند.

قسم دوم با مذهب تشیع نه تنها در تضاد نیست که از توجه جدی به بنیادهای معرفتی این مذهب سربرآورده است و با تمامی مبانی انزوای دین مخالفت دارد . با توجه به مسائلی چند، که در ادامه بر می‌شمریم ، صاحبان این دیدگاه در تئوری و عمل تشکیل نهادهای شیعی در سطح وسیع و اجرای تمامی احکام دین را با چالش رو به رو می‌بینند بلکه برای ادامه حیات مذهب خطر ساز می‌شمارند. این یک خلل در اصل دین نیست بلکه شرایط موقتی آن را ایجاب می‌کند و خود اولیاء دین به آن دستور فرموده‌اند.

۱. نهی‌های وارده از جنبش‌های اجتماعی بزرگ تا زمان ظهور امام و تذکر به عواقب آن در منابع روایی.
۲. مخالفت با اصل احتیاط و کتمان، و شرایط عمل مذهب شیعه در زمان حساس غیبت.
۳. نبود مدیریت معصومانه و مطمئن برای جریان یا حکومت ایجاد شده.
۴. فقدان آمادگی لازم در میان شیعیان برای حفظ و توسعه ساختار سیاسی و حتی فرهنگ خود.
۵. فشارها و دشمنی‌ها ، که با به میدان آمدن شیعیان شرایط مهلک و طاقت‌فرسایی پیش خواهد آورد.
۶. کاستی اساسی در زیرساخت‌های علمی و منابع دینی کنونی ، که عملاً نظام سازی بر اساس آموزه‌های وحیانی را غیر ممکن می‌سازد.
۷. نرسیدن زمان مقدر برای قیام، همراه قوت داشتن استکبار جهانی و ناتوانی مؤمنان در برابر آن.
۸. نبود حجت کافی و دلیل یقینی برای ورود شیعه به چنین میادین خطیر در غیبت امام.
۹. پدیدار شدن تفرقه و درگیری در میان صفوف اهل حق ، اعم از خواص و عوام ایشان.

باید توجه داشت واژه سکولار در تمامی فرهنگ‌ها به جدایی از دین اشاره دارد و بار مثبتی را با خود حمل نمی‌کند بنابراین اطلاق آن هرچند با قید سلبی بر گروه‌های شیعی که به ظاهر شبیه ایشان عمل می‌کنند ولی در بنیادهای فکری بسیار متفاوتند ، مناسب به نظر نمی‌رسد .

- امروز از مهم‌ترین حمله‌ها که قدرت‌طلبان خارجی و سطحی‌نگران داخلی برای فرهنگ شیعی برنامه‌ریزی کرده‌اند، سکولاریزاسیون جامعه است . تا مردم را به سوی جدایی از اسلام شیعی سوق دهند تا همان‌گونه که به سکولاریسم نزدیک می‌شوند از تشیع فاصله بگیرند و بیشتر حامی ستمگران تاریخ باشند. این روند از کنار گذاشتن مبانی اصیل شیعی به نفع امت مسلمان (اعم از شیعه و تسنن) آغاز شده است و طبیعتاً به دینگریزی بیشتری هم می‌انجامد.





www.mykarbala.ir

معارف اصیل شیعه را در فضای مجازی به اشتراک بگذارید